

# بررسی يك كتاب ناشناخته عصر مشروطیت

## گزارشی از كتاب «مدینه الاسلام، روح التمدن»

حسن حاجی حسینی

منبع: مجله آموزه، شماره 1

پیش درآمد:

علمای دین به مصداق «العام بزمانه لا یهجم علیه اللوایس» همواره شناختی صحیح و عمیق از اوضاع و شرایط زمان خود داشتند. در پاسداری و حفظ دستاوردهای شریعت از همه چیز خود مایه می گذاشتند. در مواجهه با افکار مخرب؛ ابتدا با بردباری و تأنی، حرف مخالف را می شنیدند، آن گاه با بیان وزین و قلمی متین، به شبهه ها و اشکال ها پاسخی عمیق می دادند.

از جمله عالمان روشن اندیش و ژرف نگر؛ فقیه توانمند، آگاه به زمان و مجاهد راه حق، مرحوم آیت الله حاج شیخ احمد شاهرودی است. به حق باید او را از طلایه داران و مدافعان جبهه ارزشی در مقابل جبهه سکولار در زمان مشروطه شمرد.

از این عالم روشن بین، چند کتاب به یادگار مانده است که بعضی از آنها معطوف به مسایل و موضوعات زمان خویش است. در این فرصت، بعد از نگاهی اجمالی به سیر حیات پر بار علمی و فکری آن مرد بزرگ، کتاب مذکور را به صورت خلاصه خدمت فرهیختگان و طالبان علم و معرفت معرفی می کنیم.

### حیات علمی و سیاسی خانوادگی نویسنده

جد ایشان، عالم ربانی مرحوم آیت الله ملا محمد کاظم خراسانی (آخوند خراسانی)، از شاگردان آیت الله سید علی طباطبایی، صاحب "ریاض المسائل" است. وی به تقاضای مردم شاهرود در آن شهر اقامت گزید و با تشکیل حوزه درسی و اقامه جماعت در مسجد امام حسن عسگری (علیه السلام) به نشر احکام و رسیدگی به امور مردم پرداخت. هم زمان با اقامت شیخ در شاهرود، فتنه بابیه بالا گرفت و «ملا حسین بشروی» و «قره العین» از ناحیه خراسان وارد آن شهر شدند و معرکه به راه انداختند. شیخ با آنها مناظره کرده و در نهایت آنان را از شهر بیرون کرد. به نوشته ناسخ التواریخ، این امر کینه شیخ را در دل آنها کاشت. مرحوم سید محسن امین عاملی می گوید: «بعد از این که مناظراتی بین آخوند و بهائیت انجام گرفت، یکی از افسران ترك یا کرمانی در خارج شهر بر سر راه شیخ کمین کرد و او را به قتل رساند».

والد شیخ؛ علامه محقق، جامع معقول و منقول، «آیت الله حاج محمد علی» معاصر شیخ انصاری است. این عالم جلیل القدر؛ در فقه، اصول، فلسفه، کلام، حدیث و عرفان تبحر داشت. به استناد اعیان الشیعه وی 52 تالیف در زمینه فقه، اصول، حدیث و کلام دارد. از آن جمله، رد بر اخباریان و «عصارة الفقاهه فی المهمات الفقهیة» است.

وی به امر مرحوم حاج میرزا حسن شیرازی، به شاهرود مراجعت می کند که متأسفانه پس از چهل روز از ورودشان، در سال 1293 ق روحش به ملکوت پرواز کرد.

## حیات علمی مؤلف

مرحوم حاج شیخ احمد، در دامان پدر بزرگوارش رشد یافت. تحصیلات مقدماتی را در شاهرود گذراند و برای ادامه تحصیل، همراه برادرش (شیخ حسن زاهد) رهسپار مشهد شد. پس از مدتی تحصیل، راهی عتبات عالیات شد و در نجف اشرف از بزرگانی همچون میرزا حبیب الله رشتی و آخوند خراسانی - صاحب کفایه - استفاده برد.

وی در حالی نجف اشرف را به مقصد وطن خود (شاهرود) ترک کرد که در زمینه های مختلف علمی، صاحب نظر و شهره بود. او اصولی، متبحر و فقیه ژرف اندیش بود و در علم کلام و ادیان نیز مهارت داشت.

تالیفات ایشان - آنچه تا کنون چاپ شده است - عبارتند از:

1. «حق المبین» در رد بهائیت؛ کتابی است جامع و استدلالی، مطبوع در سال 1334 قمر.
2. «راهنمای دین» در رد فرقه ضاله؛ در سال 1343 ش به چاپ رسیده است.
3. «ازالة الاوهام فی رد ینابیع الاسلام»؛ یکی از اندیشمندان مسیحی به نام عبدالملیح مسیحی، کتابی به نام «ینابیع الاسلام» (سرچشمه های اسلام) می نویسد و به زعم خود ثابت می کردند که اسلام، سرچشمه وحیانی ندارد. مرحوم شیخ احمد، در کتاب خود موهومات او را جواب داده و در سال 1344 ق به طبع رساند.
4. «مدنیة الاسلام روح التمدن»؛ که در قسمت پایانی مقاله، گزارشی از آن را تقدیم می کنیم.
5. «مرآت العارفین»؛
6. «تنبيه الغافلین»؛
7. «بقاظ الذائمین».

## حیات سیاسی - اجتماعی مؤلف

امتیاز این شخصیت بزرگ آن است که از جمله مصادیق بارز «العالم بزمانه» بود؛ وی چند گام فراتر از زمان خود حرکت می کرد، عصر خود و متقاضیات آن را خوب شناخته بود و با درک عمیق از زمان خود و شناخت ترفندهای دشمن، از وظیفه خود که همان روشن گری و افشاگری است غافل نبود.

او در دل مردم نفوذ داشت و از جایگاه والایی برخوردار بود. رئیس عدلیه وقت، به تهران گزارش می کند: «با وجود ایشان باید در عدلیه را بست، زیرا همه مردم متوجه ایشان هستند.»

بیت ایشان ملجأ و مأوای بی پناهان و مظلومان بود. از نفوذ معنوی خود در مردم، بیشتر به حال فقرا و مستمندان استفاده می کرد. در جنگ جهانی اول که کشور - خصوصاً خراسان و شاهرود - مورد تاخت و تاز نیروهای بیگانه بود، قیمت گندم و خوار و بار بالا رفته بود؛ ایشان با اتخاذ سیاست هم نوایی با مردم، تلاش کردند تا قیمت نان را در حد چهار ریال تثبیت کنند تا هیچ طبقه ای دچار مشکل نگردد.

هنگامی که عده ای از فرقه ضاله بهائیت به کمک مأموران دولتی خواستند در بین مردم قدرتی کسب کنند، این عالم سیاسی مردم را به مبارزه منفی فرا خواند؛ بدین گونه که به مردم دستور داد کسی با آنها معاشرت نکند و داد و ستد با آنها را هم ممنوع کرد، تا این که افراد گمراه عرصه را بر خود تنگ دیدند و شهر که در آستانه آشوب بود، با این سیاست از خطر حفظ شد.

وی در جریان تبعید علما از نجف، بسیار نگران بود و با برخوردی فعال و تحصن در تلگراف خانه و ارسال تلگراف، مخالفت خود را علنی کرد.

وی از هم رزمان و یاوران شهید مدرس محسوب می شد و همواره شعار زندگی سیاسی اش همان شعار معروف شهید مدرس بود که فریاد می زد: «سیاست ما عین دیانت ماست و دیانت ما عین سیاست ما».

رجال سیاسی ای که از شاهرود می گذشتند، حتماً خدمتش شرفیاب می شدند و از احاطه او به امور سیاسی در تعجب بودند. مراجع عظام و بزرگان حوزه درباره ایشان نظر داشتند به تعبیر مرحوم آیت الله بروجردی: «شیخ احمد، فخر شیعه بود».

زمانی که علمای بزرگ اصفهان به رهبری «حاج آقا نورالله» به قم هجرت کردند، با مشورت بعضی از بزرگان همچون آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم نایینی قرار شد چند تن از علما که هم از نظر علمی وزنه ای باشند و هم بر مسایل سیاسی احاطه داشته باشند با شاه ملاقات کنند. مرحوم شیخ احمد یکی از اعضای آن هیئت بود، گرچه آن ملاقات به خاطر برخورد با موانع انجام نگرفت.

زمانی هم که علمای نجف تصمیم گرفتند برای اجرای اصل دوم قانون اساسی - که نظارت پنج نفر از مجتهدان را بر مصوبات مجلس لازم می داند - عده ای را معرفی کنند، مرحوم شیخ احمد یکی از بیست نفری بود که از خطه خراسان انتخاب شده بود. این عده را مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی، مرحوم نایینی و مرحوم شیخ عبدالکریم حایری به مجلس شورای ملی معرفی کرده بودند.

## گزارش مختصری از محتویات کتاب

این کتاب از يك مقدمه و چهار مقاله (گفتار) تشکیل شده است. هر مقاله در مقام تبیین یکی از موضوعات اساسی دین یا مسایل روز و شبیه های مطرح شده در جامعه می باشد.

هدف نویسنده - چنان که از نام کتاب بر می آید - اثبات این نکته است که تمدن واقعی و حقیقی که سعادت دنیا و آخرت انسان را تأمین کند، همانا تمدن اسلامی است. مبنای معرفت شناختی و هستی شناختی چنین نگرشی این است که همه امور در دین اسلام، در حد وسط قرار دارند و از جانب دیگر پایه تمدن اسلامی بر مبنای هر دو بعد وجودی انسان (بعد مادی و معنوی) قرار داده شده است. بنابراین تنها تمدنی که می تواند سعادت انسان را تأمین کند، اسلام است.

### مقاله اول:

در این گفتار، مطالب جالب و مهمی مطرح شده است که مهم ترین آنها بدین قرار است:

\* تبیین این مطلب که اصل جامعه بهوسیله ازدواج شکل می گیرد;

\* تبیین مسأله تعدد زوجات و بیان مصالح و فلسفه تشریح آن;

\* مسأله حقوق زن و بیانی واضح از نظر اسلام در این باره.

### مقاله ثانیه:

\* مسأله حجاب: با توجه به زمان این نوشتار (دهه سوم مشروطه) که اوایل حکومت رضاخان است، کم کم زمزمه های کشف حجاب به گوش رسیده و مطبوعات با ایجاد شك و شبهه، مقدمات این مصیبت را آماده می کنند. مؤلف با انعقاد فصل کاملی در این باره، مطالب مطرح شده در مطبوعات و کتاب های موجود را بازگو کرده و پاسخ می گوید و در همین فصل، فلسفه تشریح حجاب را نیز تبیین می کند. به عنوان نمونه، یکی از شبهات این بود که حجاب، مانع مهمی برای آزادی زنان است که مؤلف این شبهه را به خوبی جواب می دهد.

\* مسأله قصاص: یکی از شایع ترین و موهن ترین شبهاتی که از طرف سکولارهای آن زمان - که درست صد سال بعد، در دهه سوم انقلاب اسلامی نیز سکولارهای زمان ما آن را عنوان کردند - طرح شده بود مسأله قصاص بود. جریان بدین قرار بود که روزنامه «ایران نو» در مقاله ای با عنوان «خاطره سنگین اعدام»، حکم قصاص را انکار کرده (حوزه نجف، ص 431) و آن را به تمسخر می گیرد. وجود این قبیل مسایل در جراید مشروطه - چنان غرب گرا، امری چندان دور از انتظار نبوده و تعجب برانگیز نیست. تعجب از غفلت عده ای است که متوجه ماهیت ضددینی بسیاری از مشروطه چیان سکولار نبودند. در این میان، برخورد بعضی از بزرگان علما قابل تقدیر است. مرحوم آخوند با این که خود در جبهه طرف داران مشروطه قرار دارد، علیه این قبیل حرکات مشروطه طلبان موضع گیری کرده و با ارسال تلگرافی برای علمای تهران، تا نزدیکی صدور حکم ارتداد نویسنده مقاله پیش می رود. وی در آن تلگراف می نویسد: «به موجب مکاتیب متکثره واصله در شماره 121 جریده ایران نو، حکم قصاص را خلاف سیاست و حکمت شمرده و به آیه مبارکه «و لکم فی القصاص حیوة یا اولی الالباب» که حکمای فلاسفه غیرمسلمین هم به حکمت های مودعه در آن کریمه مبارکه اقرار به فهم آن افتخار دارند، استخفاف نمود؛ البته چگونگی را اعلان، بلکه یعنی همان شماره را عاجلا ارسال فرمایید تا در صورت صدق حکم الهی، به مسلمین اعلام شود ان شاء الله تعالی محمد کاظم الخراسانی.»

این تلگراف در شماره يك جریده «النصف» در سال 1328 ق چاپ نجف اشرف، درج شده است<sup>1</sup>.

بعید نمی نماید که سرنوشت این تلگراف نیز مانند بعضی از تلگراف های دیگر علمای نجف که به مذاق مشروطه طلبان سازگار نبوده است گرفتار شده باشد.

مؤلف در این کتاب، در خصوص جبهه فرهنگی به صورت علمی و منطقی به این موضوع پرداخته و شبهه ها را مفصلا جواب داده است.

## مقاله نالته

این مقاله در مورد تبیین «مدینه فاضله» از نظر اسلام و مؤلفه های آن است.

یکی از مهم ترین مؤلفه های آن، اتحاد اهل مدینه و دوری از نفاق و شقاق است. در این قسمت، مؤلف با ذکر انواع حکومت های «بلشویکی»، «جمهوری» و «دموکراسی» اشتراك همه را در ضدیت با اسلام می داند.

بدیهی است که منظور وی از حکومت هایی مانند جمهوری - با توجه به ظرف زمانی آن موقع - آن نوع جمهوری است که سوغات غرب بوده و شخصی مانند رضاخان از آن دم می زند. یا اگر در جای دیگر به مسأله آزادی حمله می کند، منظور آزادی از نوع غربی است.

در این جا به شبهاتی که جرایدی مانند «کاهو» و «ناهید» در سطح جامعه به آن دامن می زنند پرداخته و به آنها پاسخ می دهد. شبهاتی چون به تمسخر و استهزا گرفتن عزاداری، زیارت، ازدواج و ... .

از جمله مطالب طرح شده در این گفتار، مسأله تأکید اسلام بر علم آموزی، کسب یقین و نهی از تقلید، دورنمایی از علوم لازم در جامعه دینی و دیدگاه مؤلف درباره علوم جدید می باشد. نگاه مؤلف به علوم

جدید، مثبت بوده و معتقد است که علوم جدید تا حدی حسن ذاتی داشته و لازم هستند، ولی باید «تکلفات» و «عرضیات» آن را برداشت تا نتیجه مطلوب بدون ضرر حاصل گردد.

بحث جالب دیگری را که مطرح می کنند، بحث «علم و دین» است که شبهه تنافی و تضاد دین اسلام با علم را جواب می گوید.

در پایان، بحث «بنیادهای تمدن اسلامی» را به خوبی بیان می کنند که بر چهار پایه استوار است: علم، عمل، اخلاق و حسن معاشرت.

آسیب شناسی جوامع مسلمین و علل عقب ماندگی آنها از نظر مؤلف عبارتند از:

1. ضعف مسلمین در دفاع از حقوق حقه خودشان;
2. انحطاط درونی در بین مسلمانان و عمل نکردن به آداب شریعت;
3. عقب ماندگی و احتیاج مسلمان ها به غیر خود در امور زندگی;
4. عقب ماندگی مسلمین به لحاظ آلات و ادوات جنگی و فنون و آداب نظامی;
5. توسعه اقتصادی در بعد هزینه ها و درآمدهای غیرمسلمین و ضعف آن در بین مسلمین;
6. عقب ماندگی صنعتی.

نکته جالب دیگری که مؤلف در این گفتار مطرح می کند بحث مزایا و ضررهای مکاتب سرمایه داری و سوسیالیستی (اشتراکی) است.

با توجه به این که مباحث سرمایه داری و کمونیستی در بازار اندیشه آن روز به شدت رواج داشته، نقاط ضعف این مکتب ها را ذکر کرده و در نهایت نتیجه می گیرد که اسلام، حد وسط بوده و موافق فطرت طبیعی و سالم انسانی است.

## مقاله رابعه

این مقاله در مورد تبیین نظام سیاسی - اجتماعی اسلام است.

مقدمات و ارکان نظام سیاسی - اجتماعی اسلام بر چهار عنصر اساسی استوار است:

1. قانون و قانون مداری (قوانینی که بر مبنای قرآن و سنت بنا نهاده شده است); به عنوان نمونه از قوانین اقتصادی اسلام می توان نام برد که مبتنی بر دو اصل «کفایت» و «عدالت» است.
2. جهاد در راه خداست;
3. قضاوت و حل و فصل دعاوی; که بر چهار پایه استوار است: الف) صفات قاضی; ب) آداب قضاوت; ج) موازین قضاوت; د) تنفیذ و اجرا.
4. مجازات و تنبیهات (اجرای حدود الهی اعم از حدود، تعزیرات، قصاص، دیات).

## نتیجه گیری و استفاده

آنچه از این کتاب به عنوان ره توشه برای همه حوزویان و محققان قابل استفاده می باشد، این است که پایگاه اجتماعی عالمی که در متن مردم زندگی می کند و شرایط و مقتضیات زمان خود را درک می کند، بسیار بالا می باشد .

هم چنین دشمن شناسی، شناخت دسیسه های اجتماعی و سیاسی دشمن، و راه های نفوذ فرهنگ بیگانه از دستاوردهای مهم این کتاب است. بزرگی مصنف در این است که به خوبی دشمن را شناخته و با منطق و استدلال قوی با آنها مقابله کرده است.

یکی از راه های نفوذ دشمن در جبهه فرهنگی، نفوذ در مطبوعات داخلی کشور است، تا بدینوسیله حرف های خود را از زبان خودی و با زبان مردم بیان کنند. شبهه ها و هجمه های به دین و مقدسات از شگردهای قدیم و جدید دشمنان بوده است. مهم ترین شبهه ای که هنوز روشن فکران زمان ما- که لاقلاً دوپست سال از زمان خویش عقب هستند - به تبع روشن فکران مشروطه مطرح می کنند، عدم کارایی دین برای اداره حکومت است. امام خمینی، اسلام شناسی توانمند با تشکیل حکومت دینی، پاسخی عملی به این شبهات دارد. مؤلفان گران قدری مانند مصنف این کتاب، عقبه های علمی و پشتوانه های معرفتی حکومت دینی هستند. بر عالمان زمان است که زوایای حکومت دینی را با نگاهی عمیق کاوش نمایند و با زبان روز به همگان و خصوصاً نسل جوان عرضه کنند.

## پی نوشت ها

1. نجفی، موسی، اندیشه دینی و سکولاریسم در حوزه معرفت سیاسی و غرب شناسی، ص 79.